

مبانی جرم انگاری توهین به پرچم و سرود ملی و تعارض آن با حق آزادی بیان (با مطالعه تطبیقی سیاست جنایی هشت کشور جهان)

چکیده

پرچم و سرود ملی به عنوان نمادهای رسمی هویت ملی در بسیاری کشورها مورد حمایت قوانین کیفری قرار دارند و جرم انگاری هتک حرمت آن‌ها با هدف حفظ هویت ملی و امنیت کشور توجیه می‌شود. با این حال، چنین جرم انگاری می‌تواند با حق بنیادین آزادی بیان، که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر تضمین شده، تعارض داشته باشد. تحلیل حقوق بشری موضوع نشان می‌دهد حفظ وحدت ملی با مداخله کیفری و تحمیل احترام اجباری محقق نمی‌شود و حفاظت از نمادهای ملی نباید آزادی‌های فردی، به‌ویژه حق آزادی بیان، را محدود کند. از این رو، سیاست کیفری سخت گیرانه و سرکوب گرانه در این زمینه ممکن است منجر به نقض حقوق بشر شود. بررسی تطبیقی نظام های حقوقی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در برخی کشورها مانند آمریکا، کانادا و انگلستان، توهین به نمادهای ملی جرم نیست و تحت حمایت آزادی بیان قرار دارد، اما در بسیاری کشورها این نوع توهین جرم انگاری و کیفرگذاری گردیده و در ایران با وجود خلا قانونی در این زمینه، ممکن است تحت عناوین جرایم علیه امنیت تحت تعقیب قرار گیرد که نشانگر یک سیاست جنایی مبهم و فراگیر است. بر این اساس، مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با تمرکز بر مبانی جرم انگاری توهین به پرچم و سرود ملی و بررسی تعارض این مساله با حق آزادی بیان، ضمن بررسی تطبیقی رویکرد هشت کشور مختلف از جمله ایران، نتیجه می‌گیرد که جرم انگاری بی‌حرمتی به سرود ملی و پرچم فی نفسه با حق آزادی بیان و اصل حداقل بودن حقوق کیفری مغایرت دارد و جرم انگاری چنین رفتاری در صورتی موجه است که سبب اختلال در نظم عمومی یا به خطر افتادن امنیت ملی شود. بنابراین، سیاست جنایی متناسب و حقوق بشری در این زمینه باید به گونه ای تدوین شود که هم نمادهای ملی را محترم بشمارد و هم حقوق بنیادین بشر و آزادی بیان را تضمین نماید.

واژگان کلیدی: توهین، سرود ملی، پرچم، جرم، آزادی بیان.

پرچم و سرود ملی هر کشور به عنوان نمادهای رسمی هویت، استقلال و وحدت ملی شناخته می‌شوند و حفظ احترام به آن‌ها از منظر حقوق عمومی و سیاست کیفری، در بسیاری از کشورها به عنوان یک وظیفه اخلاقی یا قانونی تلقی می‌شود. جرم‌انگاری رفتارهایی که این نمادها را تحقیر یا توهین می‌کنند، از جمله اقدامات نمادین همچون سوزاندن، پاره کردن یا استفاده توهین‌آمیز از سرود ملی، عمدتاً بر مبنای منطق حفاظت از حرمت هویت ملی و جلوگیری از تشویش افکار عمومی و تضعیف انسجام اجتماعی توجیه می‌شود. لذا در بسیاری از کشورها، هتک حرمت نمادهای ملی جرم کیفری است که اغلب مجازات‌های سنگینی را به دنبال دارد. این امر به ویژه در کشورهایی که وحدت ملی یک ارزش دولتی با اولویت بالا است، مشهودتر است.

توهین یا بی‌احترامی به پرچم^۱، به معنای تخریب، آسیب رساندن یا تحقیر پرچم ملی یا پرچم خارجی است و شامل نقض آداب و مقررات مربوط به پرچم نیز می‌شود. این اقدام معمولاً با هدف بیان اعتراض سیاسی علیه کشور یا سیاست‌های آن انجام می‌گیرد. توهین یا بی‌احترامی به سرود ملی^۲ نیز به اعمالی گفته می‌شود که باعث تحقیر، عدم ادای احترام، تمسخر یا اختلال در اجرای سرود رسمی کشور می‌شوند. این اقدامات معمولاً به قصد اعتراض سیاسی، انتقاد از دولت یا جلب توجه عمومی صورت می‌گیرند که می‌تواند مصداقی از نافرمانی مدنی باشد زیرا عملی نمادین، غیرخشونت‌آمیز و آگاهانه در راستای اعتراض به سیاست‌های دولت است.

با توجه به نمادگرایی و اهمیت ویژه پرچم‌ها، بی‌احترامی به پرچم حامل پیام سیاسی جدی و روشنی است. معمولاً تخریب یا بی‌احترامی به پرچم ملی به عنوان ابزاری برای اعتراض سیاسی و انتقاد از سیاست‌های ملی به کار می‌رود. این اقدام می‌تواند اشکال متعددی داشته باشد، مانند سوزاندن پرچم. نظام‌های حقوقی مختلف به شکل‌های متفاوتی با موضوع قانونی بودن توهین به پرچم مواجه می‌شوند (Duggal & Sridhar, 2006, 146).

با این حال، جرم‌انگاری بی‌احترامی به سرود ملی و پرچم با چالش‌های جدی در قلمرو حقوق بشر و به ویژه حق آزادی بیان مواجه است. حق آزادی بیان، که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است، شامل آزادی بیان انتقادی و نمادین نیز می‌شود و هرگونه محدودیت بر آن باید مطابق اصول ضرورت و تناسب باشد. جرم‌انگاری توهین به پرچم و سرود ملی، به ویژه در مواردی که این اقدامات جنبه انتقادی یا اعتراضی دارند، می‌تواند مستقیماً با این حق بنیادین تعارض پیدا کند و به محدودیت‌های بیش از حد آزادی بیان منجر شود.

بررسی تطبیقی قوانین کشورهای مختلف نشان می‌دهد که رویکردها نسبت به جرم‌انگاری این رفتارها متفاوت است؛ برخی کشورها مانند کانادا، آمریکا، سوئد، هلند و بریتانیا چنین اقدامات نمادین را تحت حمایت آزادی بیان می‌دانند، در حالی که در بسیاری از کشورهای آسیایی و خاورمیانه، جرم‌انگاری و مجازات آن‌ها شدید و تضمین‌کننده حرمت ملی است. این تفاوت‌ها نه تنها بازتاب دهنده نگرش‌های فرهنگی و تاریخی هر کشور است، بلکه چالش‌های فلسفی و حقوقی اساسی درباره محدودیت مشروعیت

¹ - Flag desecration

² - National Anthem Desecration

محدودیت‌های آزادی بیان و ماهیت نمادهای ملی را برجسته می‌کند. در حال حاضر، در ۱۴ کشور دنیا توهین به پرچم و سرود ملی جرم محسوب نمی‌شود. این کشورها عبارتند از: آمریکا، کانادا، بریتانیا، هلند، دانمارک، بلژیک، ایرلند، ژاپن، نروژ، سوئد، سوئیس، استرالیا، آفریقای جنوبی و ایران.

در کشورهای مذکور، آزادی بیان به گونه‌ای تفسیر می‌شود که توهین به پرچم ملی تحت حمایت قانون قرار دارد و جرم تلقی نمی‌شود. البته در کشور ایران با وجود اینکه هیچ قانونی ندارد که صراحتاً بی‌احترامی به پرچم و سرود ملی را جرم اعلام کند، اما این رفتار ممکن است تحت عناوین مجرمانه دیگر از جمله فعالیت تبلیغی علیه نظام (ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بخش تعزیرات) تحت پیگرد قانونی قرار گیرد که این امر با اختیارات قضایی و تفسیر موسع قانون توسط قضات صورت می‌گیرد.

با عنایت به مسائل مذکور، مطالعه مبانی جرم‌انگاری توهین به پرچم و سرود ملی و تحلیل تعارض آن با حق آزادی بیان، به فهم دقیق‌تر نسبت به حقوق فردی و مصالح جمعی در حوزه سیاست کیفری کمک می‌کند و امکان ارائه پیشنهادهایی برای بهبود تعادل میان احترام به نمادهای ملی و حمایت از آزادی بیان را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، هدف مقاله حاضر، بررسی و تحلیلی مبانی جرم‌انگاری توهین به پرچم و سرود ملی و تبیین تعارض این جرم‌انگاری با حق آزادی بیان است که با نگاهی به سیاست کیفری هشت کشور جهان (آمریکا، کانادا، انگلستان، سوئد، آلمان، ژاپن، چین و ایران) مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نهایتاً پیشنهاداتی برای نظام‌های کیفری ارائه می‌گردد.

روش پژوهش

مقاله حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای یعنی کتب و مقالات معتبر و با بررسی تطبیقی قوانین کیفری کشورهای مختلف و با استناد به رویه قضایی کشورهای و اسناد حقوق بشری بین‌المللی، موضوع موردنظر را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

پیشینه و نوآوری تحقیق

نوآوری مقاله حاضر در ارائه چارچوبی تحلیلی است که ضمن بررسی مبانی جرم‌انگاری توهین به سرود و پرچم برای نخستین بار، تعارض آن با حق آزادی بیان را در بستر قوانین کشورهای مختلف به صورت جامع و مفصل بررسی و تبیین می‌نماید که در پژوهش‌های قبلی پیشینه‌ای نداشته است. هرچند مقاله «حمایت از هویت ملی و نمادهای آن از نظر حقوق کیفری با رویکرد سیاست‌های کلی نظام» (نوشته چگنی، معصومی نیا و سرخوندی) در سال ۱۳۹۹ تنها پژوهشی است که به تبیین حقوقی این جرم پرداخته و به برخی کشورها نیز اشاره نموده است، اما هدف مقاله حاضر، طرح مباحث مبنایی و تبیین‌ها و تحلیل‌های جدید و انتقادی با بررسی مدل سیاست جنایی آزادی مدار و امنیت مدار در کشورهای مختلف و کشور ایران است.

۱- واکاوی مبانی جرم‌انگاری توهین به پرچم و سرود ملی

نخست مبنای جرم‌انگاری این مساله مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است مبنای جرم‌انگاری به دلایل، رویکردها و فلسفه‌هایی اطلاق می‌شود که قانونگذار بر اساس آنها تصمیم می‌گیرد یک رفتار را به عنوان جرم تعریف کند و برای آن در قوانین کیفری مجازات تعیین نماید.

۱-۱- حمایت از هویت و نماد ملی

هویت ملی را می‌توان عنصر وحدت ملی دانست؛ عنصری که دستیابی به اتحاد و وحدت ملی بدون آن ممکن نیست. هویت ملی با بهره‌گیری از توانایی‌های نمادین خود نظیر زبان و دین، وحدت ملی را تأمین کرده و به دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که در حوزه فرهنگ و سیاست دارد از مفاهیم فراگیر و درعین حال مشروعیت‌دهنده به نظم سیاسی-اجتماعی است. از طرفی وحدت ملی نیز یکی از مؤلفه‌های اقتدار و امنیت ملی است (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱۱۵).

پرچم و سرود ملی به عنوان نمادهای رسمی یک کشور، نمایانگر هویت ملی، استقلال، تاریخ و ارزش‌های جمعی ملت محسوب می‌شوند. از منظر حقوق عمومی و فلسفه کیفری، حفظ احترام به این نمادها نه تنها جنبه نمادین و فرهنگی دارد، بلکه عاملی برای تقویت وحدت و انسجام اجتماعی و تقویت احساس تعلق به ملت است. پرچم و سرود ملی همچنین نقش ابزار نمادین برای انتقال پیام‌های سیاسی و فرهنگی دارند. این نمادها قادرند ارزش‌ها، تاریخ و آرمان‌های ملی را به صورت تصویری و صوتی به شهروندان منتقل کنند و در مناسبت‌های رسمی، ورزشی یا فرهنگی، وحدت و همبستگی را تجلی بخشند. بر این اساس، احترام به این نمادها، علاوه بر جنبه قانونی، از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز ضروری تلقی می‌شود. لذا در بسیاری از نظام‌های حقوقی، توهین یا تحقیر این نمادها به عنوان تهدیدی برای حرمت ملی و نظم عمومی تلقی می‌شود و جرم‌انگاری آن بر این اساس توجیه می‌شود.

منطق حمایت قانونی از نمادهای ملی اغلب با یک استدلال اجتماعی و جامعه‌گرایانه آغاز می‌شود. از این منظر، اشیایی مانند پرچم‌ها و قطعات موسیقی مانند سرودها صرفاً اشیاء بی‌جان نیستند، بلکه به عنوان اشیایی «مورد احترام» و «مقدس» دیده می‌شوند که هویت جمعی یک ملت را در بر می‌گیرند (Phillips 1990, 123). نمادهای ملی به عنوان گنجینه‌های فرهنگی و سرچشمه‌های وفاداری، غرور و وحدت ملی شایسته حفاظت دانسته می‌شوند. طرفداران این دیدگاه معتقدند توهین به آنها نشانه تحقیر و خصومت با ملت است. جرم‌انگاری در این حوزه بیشتر جنبه نمادین دارد و بیانگر پیام دولت مبنی بر حرمت و قداست این نمادهاست.

نماد ملی نشانی است که هر جامعه یا ملتی با آن شناخته می‌شود و ممکن است به شکل بصری یا گفتاری یا تمثالی باشد که عقاید، هویت، سابقه تاریخی یا ایدئولوژیک یک ملت را بیان می‌کند (چگنی، معصومی نیا و سرخوندی، ۱۳۹۹، ۳۱۹). نمادهای ملی نقش مهمی در ایجاد هویت جمعی و تقویت حس وفاداری به کشور دارند و آسیب به این نمادها می‌تواند واکنش‌های اجتماعی و سیاسی قابل توجهی برانگیزد. بنابراین، حمایت قانونی از پرچم و سرود ملی، در اصل، نه تنها یک ابزار حقوقی برای جلوگیری از رفتارهای توهین‌آمیز، بلکه مکانیزمی برای تثبیت هویت ملی و حفظ احترام به ارزش‌های جمعی است.

۱-۲- حفاظت از امنیت ملی و اقتدار دولت

امنیت ملی حفظ روش زندگی قابل قبول برای افراد در سازگاری با نیازها و تمایلات مشروع دیگران است و شامل رهایی از حملات نظامی و براندازی و رهایی از فرسایش ارزش های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است که برای کیفیت زندگی، اساسی است (غریاق زندی، ۱۳۹۲، ۱۶). می توان گفت امنیت ملی به معنای حفظ یکپارچگی سیاسی، ثبات اجتماعی و توانایی دولت در انجام وظایف قانونی خود تعریف می شود. توهین یا تحقیر نمادهای ملی مانند پرچم و سرود می تواند علاوه بر ابعاد نمادین، پیامدهای عملی و سیاسی نیز داشته باشد؛ به ویژه در شرایطی که این رفتارها به شکل اعتراض های جمعی یا اقدامات تحریک آمیز صورت می گیرند. تحقیر نمادهای ملی می تواند روحیه ملی و اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی را کاهش دهد و موجب تشویش نظم عمومی، اعتراضات گسترده یا ناآرامی های سیاسی گردد. لذا جرم انگاری چنین رفتارهایی به عنوان ابزاری برای حفاظت از امنیت ملی و انسجام سیاسی کشور توجیه می شود.

اهانت به نمادهای ملی می تواند همبستگی و وحدت ملی را تضعیف، قومیت گرایی و تجزیه طلبی را تحریک و رفتارهای افراطی را افزایش دهد و در نتیجه نظم عمومی و امنیت ملی را به خطر اندازد. بنابراین، جرم انگاری توهین به نمادهای ملی مانند سرود ملی برای حفاظت از ارزش های بنیادین کشور و حمایت از هویت ملی ضروری است (چگنی، معصومی نیا و سرخوندی، ۱۳۹۹، ۳۳۲). دولت ها با حمایت کیفی از نمادها، اقتدار و مشروعیت سیاسی خود را تقویت می کنند. اگر این نوع توهین آزادی باشد، خطر برهم خوردن امنیت و ثبات کشور وجود دارد.

از این منظر، اهانت به پرچم و سرود ملی می تواند جرمی علیه امنیت ملی و سیاسی محسوب شود، زیرا علاوه بر جنبه نمادین، انسجام اجتماعی، اقتدار دولت و ثبات سیاسی را تحت تأثیر قرار می دهد. در شرایط بحرانی یا اعتراضات، این اقدامات ممکن است بی ثباتی سیاسی و نارضایتی عمومی ایجاد کنند. قانونگذار با جرم انگاری این رفتارها قصد دارد از تشویش عمومی، کاهش اعتماد شهروندان و تهدید نظم اجتماعی پیشگیری کند.

اما رویکرد اکثر نظام های کیفی مختلف نشان می دهد که حفاظت از نمادهای ملی هدف اصلی نیست. هدف واقعی دولت، جرم انگاری خود مخالف با دولت است و از اعمال نمادین به عنوان بهانه ای برای پیگرد قانونی افراد تحت قوانین گسترده و امنیتی استفاده می کنند. چارچوب قانونی در این زمینه مربوط به حفاظت از یک نماد نیست، بلکه مربوط به حفظ قدرت و مشروعیت دولت است.

حکومت ها وظیفه برقراری نظم و امنیت و حفظ ساختار سیاسی را دارند ولی با توجه به پیچیدگی تهدیدات، پاسخگویی به تهدیدات سازوکارهای خاصی را می طلبد که همه نظام های سیاسی در این موارد برخورد یکسانی نداشته و میزان تحمل بی نظمی و ناامنی بسته به نوع سیاست جنایی متفاوت است. در نظام های مردم سالار میزان تحمل بالا و در نظام های توتالیتر پایین است (آقابابی، ۱۳۸۹، ۹۲). بدین ترتیب توهین به نمادهای ملی در نظام های توتالیتر معمولاً یک جرم جدی و خطرناک علیه امنیت تلقی می شود ولی در نظام های مردم سالار یا جرم نیست و یا واکنش خفیف تری نسبت به آن صورت می گیرد. هرچند در برخی نظام های مردم سالار هم چنین توهینی جرم انگاری شده است.

۳-۱- پیشگیری از تضادهای بین‌المللی و دیپلماتیک

پرچم و سرود ملی نماد هویت داخلی، حاکمیت، استقلال و حیثیت بین‌المللی یک کشور هستند. بی‌احترامی به این نمادها می‌تواند روابط دیپلماتیک را مختل کند، زیرا کشور متضرر آن را بی‌احترامی یا تهدید سیاسی تلقی می‌کند. کشورهای برای حفظ دیپلماسی مؤثر و روابط دوستانه بین‌المللی، اقدامات تحقیرآمیز نمادین را محدود می‌کنند. بنابراین، جرم‌انگاری توهین به پرچم و سرود ملی کشورهای دیگر علاوه بر هدف داخلی، هدف دیپلماتیک نیز دارد و نقش پیشگیرانه در جلوگیری از بحران‌های سیاسی و تنش‌های بین‌المللی ایفا می‌کند. لذا بی‌احترامی به نمادها در قلمرو یک کشور می‌تواند موجب اختلال در روابط دیپلماتیک شود.

از این زاویه، چنین جرم‌انگاری جنبه سیاسی و دیپلماتیک دارد تا حقوقی. دولت‌ها می‌خواهند نشان دهند که در روابط خارجی به نمادهای دیگر کشورها احترام می‌گذارند و اجازه بی‌حرمتی به آنها را نمی‌دهند. این نوع جرم‌انگاری بیش از آنکه دفاع از ارزش‌های داخلی باشد، نوعی پیام به خارج است: «ما به شما احترام می‌گذاریم، شما هم به ما احترام بگذارید.» لذا جرم‌انگاری بی‌حرمتی به پرچم‌های خارجی بیشتر بازتاب ملاحظات دیپلماتیک و سیاسی است تا ضرورت‌های کیفری.

توهین به پرچم یا سرود ملی یک کشور، به‌ویژه در قلمرو کشور دیگر، می‌تواند به‌عنوان اقدامی خصمانه یا بی‌احترامی تلقی شود و منجر به تنش‌های دیپلماتیک گردد. این‌گونه رفتارها می‌تواند به‌عنوان نقض اصول حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی و احترام متقابل که در اسناد بین‌المللی نظیر منشور سازمان ملل متحد و کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک آمده، محسوب شوند. با این حال، قانون یا سند بین‌المللی خاصی وجود ندارد که به مسأله توهین به پرچم اشاره کند. بنابراین، کشورهای مختلف بر اساس منافع ملی و روابط دیپلماتیک خود، ممکن است قوانین داخلی برای جرم‌انگاری چنین رفتارهایی وضع کنند.

در این خصوص می‌توان به سیاست جنایی کشور دانمارک اشاره کرد. در این کشور، سوزاندن یا بی‌حرمتی به پرچم ملی (دانبروگ) قانونی است و توهین به آن مجازاتی ندارد. با این حال، بر اساس ماده ۱۱۰ (بند e) قانون جزای دانمارک، سوزاندن یا بی‌احترامی عمومی به پرچم کشورهای خارجی، سازمان ملل یا شورای اروپا غیرقانونی است، زیرا پارلمان این اقدامات را مرتبط با روابط خارجی و تهدیدآمیز می‌داند. این بند مقرر می‌کند: «هر شخصی که علناً به یک ملت خارجی، دولت، پرچم آن یا پرچم سازمان ملل یا شورای اروپا توهین کند، به جریمه یا حبس تا دو سال محکوم خواهد شد» (Perelman, 2019, 120). این رویکرد دخالت کیفری را حداقلی نگه می‌دارد اما به دلیل حساسیت دیپلماتیک استثنا قائل می‌شود.

طبق اصلاحیه ۲۰۲۰ قانون جزای آلمان، هتک حرمت عمومی پرچم‌ها و نمادهای دولتی کشورهای خارجی تا سه سال حبس یا جریمه نقدی دارد. این اصلاح ناشی از واقعه‌ای بود که در آن معترضان پرچم کشوری را آتش زدند و هدف آن، حفظ آبرو و روابط دیپلماتیک آلمان است. چنین جرم‌انگاری‌ها علاوه بر جنبه نمادین، تقویت‌کننده امنیت ملی و منافع خارجی‌اند. در ژاپن نیز تا سال ۲۰۲۲ توهین به پرچم خارجی جرم بود تا از تنش‌های دیپلماتیک جلوگیری شود. در کشورهایی چون اتریش، ایتالیا، آلمان و کره جنوبی نیز توهین به پرچم ملی و خارجی جرم تلقی می‌شود.

۲- بررسی تعارض جرم انگاری توهین به پرچم و سرود ملی با حق آزادی بیان

جرم‌انگاری توهین به نمادهای ملی در بسیاری از نظام‌های حقوقی با چالش‌های مرتبط با حق آزادی بیان مواجه است. آزادی بیان، به عنوان یک حق بنیادین بشر، در اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قانون اساسی بسیاری از کشورها تضمین شده است. تعارض زمانی بروز می‌کند که اعمال نمادین سوزاندن پرچم یا بی‌احترامی به سرود ملی، در برخی کشورها مجرمانه تلقی می‌شود، در حالی که مرتکب آن را در چارچوب انتقاد سیاسی یا آزادی بیان می‌داند. در آمریکا، دیوان عالی با استناد به اصل آزادی بیان، حتی سوزاندن پرچم به عنوان اعتراض سیاسی را تحت حمایت قانون اساسی قرار داده است.

به باور جان استوارت میل فیلسوف انگلیسی، رفتارهایی که از نظر اکثریت ناپسند یا آزاردهنده یا شوک آورند اما ضرر ملموس فیزیکی برای کسی به همراه ندارد، نباید محدود شوند. او اعمال محدودیت به آزادی‌های افراد به دلیل آزار روانی منتج از این رفتارها را مولود زورگویی اکثریت و غیرقابل توجیه می‌داند. در چارچوب این نظام فکری، اعمال محدودیت به بیانات حاوی توهین‌های مذهبی یا ملی که با رنجش دیگران همراه است، غیر مجاز است زیرا آسیب فیزیکی ملموس به همراه ندارد (میل، ۱۳۷۵، ۷۵-۵۸). اگر رفتارهایی توهین آمیز بوده اما به لحاظ مصالح اجتماعی سودمند باشند، آن بیانات و رفتارها شدیداً توهین آمیز قلمداد نشده و نمی‌توان در آن مداخله کرد. در جوامع دموکراتیک آزادی بیان به جریان آزاد اطلاعات و ترویج مباحث سیاسی کمک کرده و سبب جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت می‌شود (رهامی و محسنی جیهانی، ۱۴۰۳، ۲۳۳-۲۳۰). قانون موضوعه بشرنوشته قید و بند بر آزادی است و تکلیف است و از اختیار و آزادی مطلق آدمی می‌کاهد. حقوق کیفری و مجازات، موجب تحدید دو آزادی می‌شود: آزادی ارتکاب رفتار منع شده و نیز آزادی مجازات‌نشدن از حیث نادیده انگاشتن این ممنوعیت‌ها (حسینی، محمودی جانکی و پاکراد، ۱۴۰۲، ۱۱۰-۹۵). حقوق کیفری بر این اساس که از حقوق اشخاص حمایت می‌نماید، ورود پیدا می‌کند و با حوزه حق و آزادی افراد پیوند ناگسستنی دارد. لذا مجازات برای اینکه موجه باشد، باید به جا باشد و فقط بابت جرایمی تحمیل شود که برای ممنوعیت آسیب یا شرارتی جدی طراحی شده باشد (الهی منش و مرادی، ۱۴۰۴، ۶۶).

جرم‌انگاری، شدیدترین مداخله در حقوق و آزادی‌های فردی است و باید محدود به ضرورت‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز باشد. مطابق اصل ضرورت، ابتدا باید از پاسخ‌های غیرکیفری و سپس حقوقی غیرکیفری استفاده کرد و در نهایت به مجازات کیفری متوسل شد. وقتی حقوق به ابزار سیاسی تبدیل شود، آزادی‌ها معنای واقعی خود را از دست داده و تنها واژگانی کم‌اثر برای حکومت می‌شوند. بسیاری از نظام‌های کیفری نیازمند تحول نظری و عملی برای تضمین حقوق شهروندان (جمشیدی و شیروید بزرگی، ۱۴۰۰، ۱۱۵-۱۳۵). با مبنا قرار دادن اصل آزادی رفتار، جرم‌انگاری تنها در شرایط نیاز شدید و اضطراری موجه است. زیرا به تحدید رفتار انسان‌ها می‌انجامد (آقای جنت مکان، ۱۴۰۲، ۸۹). بدین ترتیب، اصل بر آزادی است و وضع هر محدودیتی به دلایل موجه نیاز دارد و دولت خوب، دولتی است که آزادی قابل توجهی را برای مردم خود به جا گذارد. این همان کمینگی حقوق کیفری است که شامل تقلیل بهره‌گیری از ضمانات اجراهای کیفری به موارد مهم و ضروری و همچنین رعایت اصل عدم مداخله در قلمرو آزادی‌های فردی شهروندان است (منصورآبادی و منصورآبادی، ۱۴۰۴، ۳۶۲).

آزادی عقیده یک حق طبیعی ذاتی انسان است؛ زیرا انسان به دلیل توانایی تعقل، قدرت انتخاب و وجهه الهی خود دارای کرامت و شرافت ذاتی است و سلب آزادی اندیشه یا حقوق وی به سبب داشتن عقیده خاص، انکار کرامت بشر است. بنابراین، آزادی عقیده و بیان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۱۸ و ۱۹)، کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۸ و ۱۹)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مواد ۹ و ۱۰) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (ماده ۲۲) تأکید شده است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۱۲۲). بدون وجود آزادی بیان، اصل دموکراسی و نظام دموکراتیک هم مورد تهدید و تردید است. این حق برای حفظ دموکراسی، ارتقای جامعه، استقلال فرد و توسعه سیاسی و اجتماعی حیاتی است، هر چند مطلق نیست (قاری سیدفاطمی، ۱۴۰۲، ۱۱۱).

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی بیان را به‌عنوان حقی بنیادین به رسمیت شناخته‌اند (ماده ۱۹). هر فرد حق دارد عقاید خود را بدون مداخله دولت ابراز کند، حتی اگر برای اکثریت جامعه توهین‌آمیز یا تحریک‌آمیز باشد. هر چند این اسناد مستقیماً به بی‌احترامی به پرچم اشاره نمی‌کنند، اما سازمان‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، قوانین جرم‌انگاری توهین به نمادهای ملی را نوعی نقض شدید آزادی بیان می‌دانند و هشدار می‌دهند که چنین قوانین اغلب با هدف سرکوب مخالفان و محدود کردن آزادی اندیشه به کار می‌روند.

تفاوت قوانین جهانی تنها ناشی از اختلاف مقررات نیست، بلکه بازتاب تفاوت فلسفی در رابطه شهروند و دولت است. کشورهای که اعمال نمادین را جرم‌انگاری می‌کنند، غالباً حقوق فردی را تابع خیر جمعی و اعتبار دولت می‌دانند و با مدل‌های کمونیستی، انسجام اجتماعی و احترام میهن‌پرستانه را توجیه می‌کنند. در مقابل، کشورهایی که از آزادی بیان حمایت می‌کنند، بر استقلال فرد و آزادی بیان تأکید دارند و معتقدند دولت نمی‌تواند میهن‌پرستی را اجباری کند یا ایده‌ها را سرکوب نماید، حتی اگر توهین‌آمیز باشند. این تفاوت، انتخاب میان کرامت دولت یا کرامت فرد و آزادی‌های او را نشان می‌دهد.

رویکرد کشورها نسبت به بی‌احترامی به پرچم متفاوت است. در ایالات متحده، استرالیا، کانادا و بریتانیا، چنین اقدامی جرم نیست و تحت حمایت آزادی بیان قرار دارد، مگر با خشونت یا اخلال در نظم عمومی همراه باشد. در مقابل، کشورهای ترکیه، روسیه، چین و برخی کشورهای اروپای قاره‌ای مانند آلمان، فرانسه، ایتالیا و فنلاند هتک حرمت پرچم را جرم می‌دانند، هر چند دیوان‌های قانون اساسی بر توازن میان حفاظت پرچم و آزادی بیان تأکید دارند. در آمریکا، طبق اصل بی‌طرفی، بیان یک ایده صرفاً به دلیل توهین‌آمیز بودن نمی‌تواند ممنوع شود، بنابراین تلاش‌ها برای جرم‌انگاری هتک حرمت پرچم شکست خورده‌اند.

توسعه جرم‌انگاری و مداخلات کیفری در حوزه عمومی در نظام‌های لیبرال، نقض اصول حقوق کیفری و آزادی‌های اساسی شهروندان است. این مداخلات، به‌بهبان نظم عمومی و با هدف افزایش اقتدار دولت و کنترل جامعه، اغلب با نیت‌های سیاسی و ایدئولوژیک همراه‌اند (جعفری، ۱۳۹۲، ۳۲۸). حتی در نظام‌های حداقلی اروپایی مانند فرانسه و ایتالیا، اهانت به سرود و پرچم جرم‌انگاری می‌شود، اما اصل حداقلی بودن حقوق کیفری ایجاب می‌کند قانونگذار تنها در مواقع ضروری به ابزار کیفری متوسل شود. گسترش جرم‌انگاری به رفتارهای فرهنگی یا ابراز عقیده، تناقض میان اصول اعلامی و عملکرد واقعی دولت‌ها را آشکار می‌کند.

البته اعمال نامحدود حق آزادی بیان ممکن است به امنیت و منافع ملی آسیب جدی وارد کند و بنابراین این حق مطلق نیست. اسناد بین‌المللی محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان پیش‌بینی می‌کنند، از جمله احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حمایت از امنیت ملی

و نظم عمومی، و ممنوعیت تبلیغ جنگ، خشونت و نفرت. با این حال، این محدودیت‌ها نباید چنان گسترده باشند که خود دموکراسی را تهدید کنند یا تعطیل نمایند (قاری سیدفاطمی، ۱۴۰۲، ۱۱۴). بنابراین، جرم‌انگاری توهین به نمادهای ملی یکی از استثنائات حق آزادی بیان محسوب می‌شود و در بسیاری کشورها جرم تلقی شده است.

به باور برخی دولت‌ها، آزادی تا جایی ارزشمند و محترم است که به اغتشاش و ناآرامی منتهی نگردد. مردم می‌بایست از آزادی‌های مشروع در جهت رشد، تکامل و تعالی خود و جامعه بهره‌گیرند نه اینکه استفاده از آزادی‌ها را دستاویزی برای تجاوز به حقوق دیگران، توهین، سلب حیثیت و ناامنی قرار دهند. اما مقنن هم باید قانونی وضع نماید که هدف نهایی آن مصالح مردم باشد نه صرفاً منافع حکمرانان (یاوری، ۱۳۹۱، ۱۶۰).

بسیاری معتقدند که جرم‌انگاری سخن‌گویی ایدئولوژیک از منظر قانون اساسی توجیه‌پذیر نیست. اگر کسی اجازه نداشته باشد پرچم را آتش بزند اما هنوز بتواند نظر خود را درباره دولت و پرچم بیان کند، آزادی بیان آسیب چندانی نمی‌بیند؛ اما اگر بیان این نظرات ممنوع باشد، عملاً آزادی بیان از بین رفته است... آزادی بیان شاید بنیادی‌ترین و مهم‌ترین حق در هر نظام دموکراتیک باشد. این اصل بدیهی و اساسی در دموکراسی لیبرال است که همه باید بتوانند آزادانه دیدگاه‌ها و ایده‌های خود را بیان کنند. بدون تبادل آزاد اندیشه‌ها در «بازار ایده‌ها»، هیچ‌امیدی برای دستیابی به سعادت، خودشکوفایی، آزادی، تعیین سرنوشت جمعی و حتی برای زندگی و رهایی از استبداد وجود نخواهد داشت. ممکن است دولتی در راستای احترام به آزادی بیان به مخالفان خود اجازه دهد تا از طریق سوزاندن پرچم ملی خشم خود را تخلیه کنند، تا این‌که با تعقیب کیفری آنان، اعتراض‌شان را برجسته‌تر و مشروع‌تر جلوه دهد (Perelman, 2019, 119-120).

به نظر می‌رسد مبانی جرم‌انگاری توهین به نمادهای ملی تا حدودی با اصل آزادی بیان تعارض دارند. قانونی که بی‌احترامی به پرچم را جرم بداند، می‌تواند ابزار سرکوب عقاید مخالف شود و با آزادی بیان مغایرت دارد. حتی در جوامع با محدودیت‌های آزادی بیان، محدودیت‌ها باید زمان، مکان و نحوه ابراز را مشخص کنند، نه محتوای پیام را. جرم‌انگاری توهین به نماد ملی در بسیاری نظام‌های دموکراتیک با بی‌طرفی در برخورد با ایده‌ها مغایرت دارد و بیشتر از اینکه به منظور حفظ هویت ملی باشد، غالباً ابزاری برای تقویت اقتدار سیاسی و ایدئولوژی است. لذا نظام حقوقی متعادل باید آزادی بیان و گفتار نمادین را تضمین و محدودیت‌ها را فقط بر رفتارهای خشونت‌آمیز یا تهدیدآمیز اعمال کند.

البته اگر توهین به نمادهای ملی با رفتارهای خشونت‌آمیز، خطرناک و آسیب‌زایی همراه باشد یا سبب اختلال در امنیت و نظم عمومی یا موجب مزاحمت به دیگران گردد، باید مورد تعقیب قرار گیرد ولی توهین به این نمادها از جمله ناسزاگویی یا عدم احترام در مراسمات، به تنهایی نباید جرم‌انگاری شود. در نتیجه، از منظر حقوق بشری، جرم‌انگاری توهین به پرچم و سرود ملی غالباً با اصول آزادی بیان، ضرورت و تناسب در تعارض است. مشروعیت چنین جرم‌انگاری تنها در شرایط استثنایی موجه است؛ جایی که رفتار فرد واقعاً تهدیدی جدی علیه نظم عمومی یا روابط بین‌الملل باشد. در غیر این صورت، این جرم‌انگاری مصداقی از مداخله ناموجه دولت در آزادی‌های بنیادین شهروندان خواهد بود.

همچنین جرم‌انگاری بی‌حرمتی به پرچم‌های خارجی بیشتر بازتاب ملاحظات دیپلماتیک و سیاسی است تا ضرورت‌های کیفری. این نوع اقدام هرچند احترام به نمادهای ملی سایر دولت‌هاست، اما با اصل آزادی بیان و اصول بنیادین حقوق کیفری چندان سازگار نیست و می‌تواند منجر به استفاده ابزاری از حقوق کیفری برای اهداف سیاسی شود. زیرا نه خطر واقعی برای جامعه داخلی دارد و نه ضرورت مداخله کیفری را توجیه می‌کند.

۳-مدل سیاست جنایی آزادی مدار در مواجهه با هتک حرمت پرچم و سرود ملی

مدل لیبرال بر جایگاه بالای آزادی بیان تأکید دارد و هرگونه محدودیت بر آن باید حداقل باشد. در این مدل، کشورهایی مانند آمریکا، کانادا، انگلستان و سوئد از جرم‌انگاری هتک حرمت نمادهای ملی خودداری می‌کنند و صرف توهین یا بی‌احترامی به نماد دولتی جرم نیست، مگر اینکه مستقیماً به خشونت، آشوب یا تهدید امنیت عمومی منجر شود. نمادها نیازی به حمایت قانونی مستقل ندارند و هدف قانون باید صرفاً حفظ نظم و امنیت عمومی باشد. لذا جرم‌انگاری هتک نمادها می‌تواند به ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی بدل شود.

در این قسمت، سیاست جنایی برخی کشورهای دنیا را که بر اساس این مدل تدوین شده است (امریکا، کانادا، انگلستان، سوئد و ژاپن) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا در حمایت از اعمالی که در کشورهای دیگر جرم‌انگاری شده‌اند، یک استثنای قابل توجه است. این موضع نتیجه مستقیم دو حکم برجسته دیوان عالی است که هتک حرمت پرچم را به عنوان شکلی از گفتار نمادین مورد حمایت متمم اول قانون اساسی تثبیت کردند. داستان با قانون حفاظت از پرچم در سال ۱۹۶۸ آغاز شد که در پاسخ به اعتراضات جنگ ویتنام تصویب شد. این قانون که ناقص‌سازی یا تخریب آگاهانه پرچم را جرم می‌دانست، بعداً لغو شد.

در آمریکا برخلاف بسیاری کشورها، سوزاندن یا بی‌احترامی به پرچم کلاً جرم محسوب نمی‌شود. دلیل آن مربوط به اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا (First Amendment) است که آزادی بیان و بیان اعتراض سیاسی را تضمین می‌کند. حتی پس از تلاش کنگره برای تصویب قانونی که سوزاندن پرچم را جرم‌انگاری می‌کرد (Flag Protection Act)، دیوان عالی آمریکا این قانون را نیز مخالف با اولین اصلاحیه اعلام کرد. لذا سوزاندن پرچم معمولاً در چارچوب اعتراض سیاسی یا انتقاد از دولت انجام می‌شود. از این رو، سیستم قضایی آمریکا آن را به عنوان نوعی آزادی بیان مشروع می‌بیند.

در پرونده *Stromberg v. State of California*، دیوان عالی آمریکا برای نخستین بار قوانین ضد توهین به پرچم را مورد بررسی قرار داد و مفهوم «بیان» را در اصلاحیه اول گسترش داد تا شامل «بیان خالص» و «بیان نمادین» شود. پرونده *Street v. New York* اولین موردی بود که صراحتاً به توهین به پرچم پرداخت؛ سوزاندن علنی پرچم آمریکا در اعتراض به قتل یک فعال حقوق مدنی توسط دیوان عالی مغایر با اصلاحیه اول تشخیص داده شد. این موضوع تا پرونده *Texas v. Johnson* به طور قطعی حل نشد، که در آن سوزاندن پرچم به عنوان بیان نمادین مورد حمایت قرار گرفت (Duggal & Sridhar, 2006, 146).

دیوان عالی در پرونده *Texas v. Johnson, 1989* با استناد به آزادی بیان، سوزاندن پرچم به عنوان اعتراض سیاسی را تحت حمایت قانون اساسی قرار داد. جانسون در تظاهراتی پرچم آمریکا را به نشانه اعتراض به سیاست‌های دولت سوزاند و به جرم هتک حرمت پرچم محکوم و زندانی شد. دیوان عالی حکم داد که سوزاندن پرچم اقدامی نمادین و سیاسی است و مشمول آزادی بیان تحت متمم اول می‌شود؛ بنابراین محکومیت جانسون غیرقانونی است. دادگاه استدلال ایالت تگزاس برای حفظ احترام پرچم یا جلوگیری از نقض صلح را رد کرد (Bleise, 1992, 175-180).

ایالت تگزاس برای توجیه محکومیت جانسون دو دلیل ارائه داد: اول، جلوگیری از اغتشاشات و دوم، حفظ پرچم به عنوان نماد اتحاد ملی و میهن پرستی. درباره دلیل اول، دادگاه اعلام کرد که مدارک حاکی از ایجاد اغتشاش نبود. درباره دلیل دوم، دادگاه گفت حفظ ارزش نمادین پرچم خود نوعی بیان است و نمی‌تواند مبنای محدود کردن آزادی بیان باشد (Krüdwagen, 2002, 690).

بعد از آن دیوان در پرونده *U.S. v. Eichman* (در سال ۱۹۹۰) نیز حکم داد که بر اساس متمم اول قانون اساسی، ممنوع کردن هتک حرمت پرچم توسط دولت (در هر سطح فدرال، ایالتی یا شهری) خلاف قانون اساسی است، زیرا این عمل نوعی «بیان نمادین» به شمار می‌رود.

با این حال، اگر پرچمی که سوزانده شده متعلق به دیگری باشد (همانند پرونده جانسون که پرچم را از بانک تگزاس دزدیده بود)، فرد می‌تواند به اتهام سرقت جزئی یا تخریب اموال خصوصی تحت پیگرد قرار گیرد. اگر هتک حرمت پرچم مربوط به گروه‌های اقلیت باشد، در برخی حوزه‌های قضایی ممکن است به عنوان جرم ناشی از نفرت (hate crime) تلقی شود.

در ژوئن ۲۰۲۰، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد سوزاندن پرچم باید با یک سال زندان مجازات شود. در اوت ۲۰۲۵، وی فرمان اجرایی‌ای صادر کرد که وزارت دادگستری را موظف می‌کند موارد سوزاندن پرچم که به تحریک شورش یا آسیب فزاینده از متمم اول منجر می‌شوند، پیگرد کند، هرچند خود سوزاندن پرچم قانونی باقی مانده است. ترامپ قصد دارد فرمانی برای برخورد جدی با بی‌حرمتی به پرچم، از جمله سوزاندن آن، امضا کند. دادستان کل موظف به پیگرد مرتکبان و روشن‌سازی دامنه متمم اول است. با این حال، این فرمان هنوز اجرایی نشده و احتمالاً اگر صرفاً بی‌احترامی به پرچم را جرم بدانند، توسط دادگاه‌ها خلاف قانون اساسی شناخته خواهد شد.

بنابراین، ایالات متحده رویکردی حداکثری به آزادی بیان دارد که ریشه در متمم اول قانون اساسی آن است، که مقرر می‌کند «کنگره هیچ قانونی وضع نخواهد کرد... که آزادی بیان یا مطبوعات را محدود کند». تفسیر قضایی این حمایت را گسترش داده و شامل گفتارهای نمادین می‌شود. طبق این اصل، دولت نمی‌تواند بیان یک ایده را صرفاً به دلیل مخالفت با نمادهای ملی یا حاکمیت ممنوع کند.

در خصوص کشور کانادا، قانون کانادا به صراحت توهین یا هتک حرمت پرچم ملی را به عنوان جرم کیفری مشخص نکرده است. در واقع، مطابق رویه قضایی و مفاد «منشور حقوق و آزادی‌های کانادا»^۱ سال ۱۹۸۲ آزادی بیان تحت حمایت گسترده قرار

¹ - Canadian Charter of Rights and Freedoms 1982

دارد و حتی اعمالی که به پرچم یا سرود ملی صدمه بزنند، اگر در قالب بیان سیاسی یا اعتراض مدنی انجام شوند، غالباً مشمول حمایت قانونی هستند (Hogg, 2020, 5). با این حال، در مواردی که رفتارهای نمادین با خشونت، تهدید یا آسیب به دیگران همراه باشند، دادگاه‌ها می‌توانند این اعمال را تحت جرایم عمومی مانند خرابکاری، تخریب اموال یا تهدید عمومی مورد پیگرد قرار دهند. بنابراین، در کانادا، برخلاف کشورهایی مانند آلمان یا ترکیه که اهانت به نماد ملی جرم مشخص و قابل مجازات است، جرم‌انگاری صریح برای توهین به پرچم یا سرود ملی وجود ندارد و محوریت بر حفاظت از آزادی بیان و اعتراض سیاسی است.

رویکرد کانادا، که در بخش ۲(ب) منشور حقوق و آزادی‌های کانادا آمده است، حق مشروط‌تری برای آزادی بیان قائل است. این رویکرد «آزادی اندیشه، عقیده، نظر و بیان» را تضمین می‌کند، اما این آزادی را تابع «محدودیت‌های معقولی» می‌کند که به طور قابل اثبات در یک جامعه آزاد و دموکراتیک توجیه می‌شوند. این محدودیت‌ها طبق بخش ۱ منشور اعمال می‌شوند. دیوان عالی کانادا «بیان» را به طور کلی به عنوان «هرگونه فعالیت یا ارتباطی که معنایی را منتقل می‌کند یا تلاش می‌کند معنایی را منتقل کند» تفسیر کرده است، حتی اگر محتوا «توهین‌آمیز، منفور یا نگران‌کننده» باشد. این چارچوب، فضایی قانونی ایجاد می‌کند که در آن، منافع دولت در محدود کردن بیان باید با دقت در برابر حقوق فردی متعادل شود.

در انگلستان، برخلاف برخی کشورها، اهانت به پرچم یا سرود ملی به طور صریح در قانون کیفری جرم‌انگاری نشده است. بررسی قوانین و رویه قضایی نشان می‌دهد که تمرکز اصلی نظام حقوقی بر حفاظت از امنیت عمومی، نظم عمومی و پیشگیری از اعمال خشونت‌آمیز است، نه جرم‌انگاری توهین نمادین. چون بریتانیا «قانون اساسی مکتوب» واحد ندارد، مقررات صریح داخلی درباره‌ی نمادها اندک است و «جرم‌شدن نقض نمادها» در آن معمول نیست (Toth, 2022, 15-16).

نظام حقوقی بریتانیا حتی یک سند قانون اساسی برای حمایت از آزادی بیان ندارد. در عوض، آزادی بیان در درجه اول توسط «قانون حقوق بشر ۱۹۹۸» محافظت می‌شود که ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را در قانون داخلی گنجانده است. این حق همچنین مشروط به اعمال محدودیت‌هایی به دلایل امنیت ملی، ایمنی عمومی یا حفاظت از حقوق دیگران است. پایبندی بریتانیا به کنوانسیون حقوق بشر اروپا، چارچوبی محکم و از نظر قضایی لازم‌الاجرا فراهم می‌کند که از حق ابراز دیدگاه‌هایی که ممکن است «دیگران را ناراحت یا آزرده خاطر کند» محافظت می‌کند.

در سال ۲۰۰۱، در یک پایگاه هوایی، یک معترض به پرچم آمریکا با شعار «جنگ ستارگان را متوقف کنید» بی‌احترامی کرد و بر پرچم کوبید. او ابتدا به دلیل «استفاده از کلمات و رفتار تهدیدآمیز و تحقیرآمیز که می‌تواند موجب ترس و آزار شود» طبق ماده ۵ قانون نظم عمومی ۱۹۸۶ محکوم شد، اما دادگاه تجدیدنظر حکم را لغو و آن را مغایر ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانست. بنابراین اقدامات نمادین اعتراضی، مانند سوزاندن پرچم یا بی‌احترامی به سرود ملی، در صورتی که خطر واقعی برای نظم عمومی ایجاد نکنند، تحت حمایت آزادی بیان قرار دارند، هرچند تلاش‌هایی برای جرم‌انگاری نیز صورت گرفته است.

¹ - Human Rights Act 1998

موضع حقوقی بریتانیا بازتاب مستقیمی از نفوذ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. در حالی که از لحاظ تئوری می‌توان از قوانین نظم عمومی داخلی برای پیگرد قانونی هتک حرمت نمادین استفاده کرد، اعمال قضایی اصول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر عملاً از چنین اعمالی که بیانگر بیان سیاسی هستند، حمایت می‌کند. این امر، سیاست بریتانیا را در عمل با سیاست ایالات متحده و کانادا، علیرغم چارچوب‌های قانونی متفاوت، همسو می‌کند. بدین ترتیب، آزادی بیان در این کشورها تا حدی گسترش یافته که تکلیف کیفری برای توهین به نمادها معمولاً وجود ندارد (Toth, 2022, 15-16).

بدین ترتیب پرچم به‌عنوان نماد سیاسی در کشورهای امریکا و انگلستان، محافظت مطلق ندارد و محدودیت‌ها تنها زمانی اعمال می‌شوند که خطر واقعی برای نظم عمومی یا امنیت ملی ایجاد کند. بسیاری معتقدند با کیفری‌سازی هتک حرمت پرچم، قانون در واقع نوعی تقدس‌بخشی به دولت انجام می‌دهد و زمینه‌ای خطرناک در حقوق ایجاد می‌کند. چنین قوانینی در عمل می‌توانند نه تنها مخالفان سیاسی و معترضان، بلکه هنرمندانی را که از پرچم برای اعتراض استفاده می‌کنند، ساکت و منزوی کنند. با مجازات کردن این رفتارها، دیگر صدای منتقدان و مخالفان در فضای سیاسی شنیده نخواهد شد (McBride, 1991, 324).

در کشور سوئد، پیش از سال ۱۹۷۱ سوزاندن یا بی‌احترامی به پرچم جرم محسوب می‌شد و تحت عنوان «هتک حرمت پرچم ملی» قابل تعقیب کیفری بود. اما در سال ۱۹۷۱ جرم‌زدایی گردید و لذا در حال حاضر جرم نیست. سوئد یکی از کشورهایی است که آزادی بیان در آن در بالاترین سطح قانونی و عملی تضمین شده است. در این کشور، حتی سوزاندن پرچم ملی یا بی‌احترامی به سرود ملی به طور مستقیم جرم محسوب نمی‌شود، مگر آنکه این عمل در شرایط خاصی با جرایم دیگر همپوشانی پیدا کند.

با این حال، به نمایش گذاشتن عمومی پرچم سوئد که روی آن نشانه‌ها، حروف یا نمادهایی اضافه شده باشد طبق قانون پرچم شماره ۱۹۸۲:۲۶۹ ممنوع است و می‌تواند تحت مقررات مربوط به «رفتار توهین‌آمیز و مخل نظم» (*förargelseväckande beteende*) موضوع فصل ۱۶ بند ۱۶ قانون کیفری، قابل مجازات باشد. از ۱۹۷۱ به بعد تنها در صورتی که عمل فرد موجب اخلال در نظم عمومی یا توهین آشکار در منظر عمومی باشد (مثلاً مشمول مقررات «رفتار مخل نظم» در قانون کیفری یا نقض «قانون پرچم ۱۹۸۲») امکان برخورد کیفری وجود دارد، اما خود عمل سوزاندن پرچم به تنهایی جرم نیست.

رویکرد سوئد ریشه در یک سنت لیبرال-دموکراتیک دارد که از بیان نمادین، حتی زمانی که توهین‌آمیز باشد، حمایت گسترده‌ای می‌کند، اگرچه این موضع اکنون توسط تهدیدات امنیتی خارجی به چالش کشیده شده است. به هر حال آزادی بیان در سوئد از اهمیت بالایی برخوردار است اما محدودیت‌هایی برای «برانگیختن نفرت علیه گروه‌های جمعیتی» وجود دارد که می‌تواند در عمل برخی اظهارنظرهای توهین‌آمیز نسبت به گروه‌های قومی/مذهبی را جرم‌انگاری کند (Toth, 2022, 15-16).

در سیستم حقوقی ژاپن هیچ قانون کیفری مستقلی برای جرم‌انگاری هتک حرمت پرچم ملی (هینومارو) یا سرود ملی (کیمیگایو) وجود ندارد. بی‌حرمتی به پرچم ژاپن (هینومارو) هرگز جرم نبوده است. این عمل به طور ضمنی تحت پوشش اصل ۲۱ قانون اساسی ژاپن، که آزادی بیان را تضمین می‌کند، قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، در ۲۶ اکتبر ۱۹۸۷ یک صاحب سوپرمارکت پرچم ژاپن

را پیش از آغاز جشنواره ورزشی ملی ژاپن سوزاند. این فرد، پرچم را آتش زد تا مخالفت خود را با جنایات ارتش ژاپن در دوران جنگ و تداوم حضور نیروهای آمریکایی (به درخواست ژاپن) نشان دهد.

تا سال ۲۰۲۲ در ژاپن، طبق ماده ۹۲ قانون جزا، بی‌حرمتی به پرچم یا نماد ملی کشورهای خارجی که به رسمیت شناخته شده‌اند، اگر با هدف اهانت به آن کشور بود، جرم محسوب می‌شد و می‌توانست منجر به جریمه یا کار اجباری شود؛ البته این پیگرد تنها در صورت شکایت دولت خارجی مربوطه آغاز می‌گردید. این سیاست یک اقدام استراتژیک برای جلوگیری از حوادث دیپلماتیک و ارائه تصویری صلح‌آمیز و غیرتهاجمی در صحنه بین‌المللی بود. اما این کشور اخیراً بی‌حرمتی به پرچم‌های خارجی را نیز قانونی اعلام کرد. هرچند رویکرد اخیر ممکن است از دید عرف سیاسی چندان مطلوب نباشد ولی از دیدگاه اصول حقوق کیفری، این جرم زدایی یک اقدام موجه محسوب می‌شود زیرا دخالت کیفری را حذف نموده و به حق آزادی بیان بیشتر از روابط دیپلماتیک اهمیت می‌دهد.

۴- مدل سیاست جنایی امنیت مدار در مواجهه با هتک حرمت پرچم و سرود ملی

در برخی نظام‌های حقوقی، بی‌احترامی به نمادهای ملی مانند پرچم، سرود ملی یا مقامات عالی‌رتبه، نه تنها غیراخلاقی، بلکه تهدیدی علیه وحدت ملی و نظم عمومی محسوب می‌شود. در این کشورها، سیاست جنایی بر حفاظت شدید از شأن و اقتدار دولت و نمادهای آن استوار است و شامل جرم‌انگاری گسترده، مجازات‌های متنوع و محدودسازی دامنه آزادی بیان می‌شود. این رویکرد بر امنیت سیاسی، نظم عمومی و احترام به حاکمیت ملی تمرکز دارد تا آزادی‌های فردی. کشورهایی چون کره شمالی، عربستان سعودی، فرانسه، اسرائیل، روسیه، ترکیه، کوبا، ویتنام، مکزیک، چین و آلمان نمونه‌های بارز این مدل هستند که در اینجا به سه کشور و نهایتاً ایران اشاره می‌شود.

رویکرد کشور آلمان، مبتنی بر «دموکراسی مبارزه‌جو»، حقوق بیان و انتشار آزاد عقاید را طبق ماده ۵ قانون اساسی تضمین می‌کند، اما این حق با حفاظت از آبروی افراد و قوانین مقابله با «اظهارات خلاف قانون اساسی» محدود شده است. فلسفه این محدودیت‌ها ناشی از تجربه تاریخی پس از جنگ جهانی دوم است و هدف آن حفاظت از دولت دموکراتیک در برابر تهدیدات داخلی است. بنابراین، اعمال محدودیت‌های مبتنی بر محتوا در آلمان مجاز است (Bleise, 1992, 175-180). قانون نخستین در سال ۱۹۳۲ تصویب شد و در سال ۱۹۳۵ گسترش یافت تا شامل پرچم آلمان نازی نیز شود. در حال حاضر هم در آلمان، هتک حرمت پرچم و نمادهای دولتی به صراحت در ماده ۹۰ قانون جزای آلمان^۱ جرم‌انگاری شده است و مجازات آن شامل تا سه سال زندان یا جریمه نقدی است. این ماده مقرر می‌دارد هرکس به نشان‌های رسمی، پرچم، آرم یا سرود ملی جمهوری فدرال آلمان یا یکی از ایالت‌های آن توهین نماید، به مجازات مذکور محکوم می‌شود. همچنین هرکس از روی شرارت پرچم آلمان را که در جایی نصب شده است بردارد یا تخریب کند یا آسیب رساند به همان مجازات محکوم می‌گردد (بوهلندر، ۱۴۰۱، ۱۱۲). لذا آلمان نمونه‌ای از کشوری است که حمایت از احترام نمادهای ملی و امنیت دیپلماتیک را بر آزادی بیان نمادین ترجیح داده است.

¹ - Strafgesetzbuch – StGB

در یکی از پرونده‌های دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان، ناشر کتابی با تصویری از افرادی که بر روی پرچم ادرار می‌کردند، خواستار حمایت به عنوان «اثر هنری» شد. دادگاه منطقه‌ای تأکید کرد که پرچم فدرال تحقیر شده و حیثیت دولت آسیب دیده است. دادگاه فدرال این تصمیمات را لغو و حق آزادی بیان ماده ۵ قانون اساسی را تأیید کرد، با این شرط که تنها زمانی محدود شود که بقای ملت در خطر باشد. پرچم دارای ارزش قانونی پایین‌تر از حقوق اساسی است، اما آزادی شامل بی‌احترامی به پرچم دیگر کشورها نمی‌شود؛ ماده ۱۰۴ قانون کیفری آلمان سوزاندن پرچم خارجی را جرم می‌داند (Duggal & Sridhar, 2006, 148). در آلمان از سال ۲۰۲۰، بی‌احترامی یا آسیب رساندن به پرچم هر کشور خارجی نیز تا سه سال زندان قابل مجازات است. به دنبال این اصلاحات، ماده ۹۰ دامنه حفاظت را به پرچم و سرود اتحادیه اروپا هم گسترش داد.

در کشور چین الگوی امنیت مدار به کار گرفته شده و از کشورهای معدودی است که چندین قانون خاص برای مقابله با این رفتار تصویب شده است. ماده ۲۹۹ قانون کیفری چین به عنوان قانون کیفری عمومی مقرر داشته که «هر کس به صورت عمدی و علنی پرچم ملی یا نشان ملی چین را در اماکن عمومی با اعمالی مانند سوزاندن، تخریب، نوشتن، لکه‌دار کردن یا لگدمال کردن «توهین» کند، می‌تواند به مجازات حبس با مدت ثابت تا سه سال، بازداشت کیفری، مراقبت عمومی یا محرومیت از حقوق سیاسی محکوم شود.»

اما قوانین خاص دیگری جهت حمایت بیشتر از نمادهای ملی در چین تصویب گردید. طبق «قانون پرچم ملی چین ۱۹۹۰»^۱ نیز هر کس پرچم ملی را عمدی و علنی در معرض اهانت قرار دهد (مثلاً سوزاندن، رنگ‌آمیزی، تخریب، لگدمال کردن) تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد؛ اگر جرم سبک باشد، ممکن است مجازات اداری (اداره امنیت عمومی) تا ۱۵ روز توقیف داشته باشد. «قانون سرود ملی ۲۰۱۷»^۲ هم در ماده ۱۴ توهین به سرود ملی را نیز جرم می‌داند؛ مثلاً تحریف اشعار یا موسیقی سرود، یا اجرای آن به شیوه‌ای که توهین‌آمیز تلقی شود. لذا سیاست جنایی چین محافظت از «آبرو و حیثیت نماد ملی» را جزو اولویت‌ها می‌داند.

در چین، متهمانی در یک تظاهرات به دلیل نمایش پرچم ملی و منطقه‌ای مخدوش بازداشت و بر اساس بخش ۷ قانون پرچم ملی محکوم شدند. آنان ادعا کردند این قوانین آزادی بیان آن‌ها را، که در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده، محدود می‌کند. دادگاه بدوی حکم داد، اما در تجدیدنظر لغو شد. دولت هنگ‌کنگ به دادگاه نهایی فرجام برد؛ دادگاه حکم محکومیت را تأیید و محدودیت‌ها را برای حفظ نظم عمومی ضروری دانست. تأکید گردید آزادی بیان مطلق نیست و مسئولیت‌هایی به همراه دارد (Duggal & Sridhar, 2006, 150).

اما در خصوص ایران، نظام حقوقی ایران هیچ قانونی ندارد که صراحتاً بی‌احترامی به پرچم ملی را غیرقانونی اعلام کند و لذا سیاست جنایی این کشور را اصولاً باید در مدل آزادی مدار گنجانند. با این حال، اعمالی که ممکن است بی‌احترامی تلقی شوند، معمولاً تحت عنوان جرایم دیگر تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. فقدان قانون مشخص به قضات دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا از طریق تفسیرهای شخصی و امنیتی، این جرم را از یک عمل بی‌احترامی جزئی به یک جرم علیه امنیت ملی تبدیل نمایند. بنابراین

¹ - National Flag Law of the PRC

² - National Anthem Law of the PRC

چنین رفتاری ممکن است تحت عنوان جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام (ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) یا توهین به مقدسات (ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) مورد تعقیب و کیفر قرار گیرد. قضات ممکن است چنین تفسیر نمایند که پرچم و سرود ملی جمهوری اسلامی ایران نمادهای بنیادین نظام هستند و هرکس به این نمادها توهین کند پس نظام را مورد اهانت و تخریب قرار می‌دهد و همچنین در پرچم نام الله درج شده که توهین به آن توهین به مقدسات محسوب می‌شود. همچنانکه که سحنگوی قوه قضاییه در سال ۱۴۰۱ با اشاره به ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، توهین به پرچم را توهین به مقدسات تلقی نموده و اذعان داشته است: «در این باره نص صریح در قوانین نداریم اما با استنباط از مقررات، موضوع ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی برداشت می‌شود...» (عصر ایران، ۲۰۲۲). این سخن به وضوح نشان می‌دهد که دادگاه‌های ایران باید از ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی در راستای کیفردهی به هتک حرمت پرچم تفسیر موسع کنند. لذا باید اذعان نمود سیاست جنایی ایران در این زمینه نوعی سیاست جنایی فراگیر و مبهم است.

طی یک مصاحبه مختصر و محدود با یکی از قضات دادگاه انقلاب شهرستان تبریز (با حفظ محرمانگی داده‌ها) مشخص گردید در رویه قضایی غالباً توهین یا آتش زدن پرچم تحت عنوان جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام مورد کیفردهی قرار می‌گیرد. در پرونده‌ای در سال ۱۴۰۱ در شهرستان تبریز، متهم بعد از پاشیدن بنزین به پرچم جمهوری اسلامی ایران در یکی از میدان‌های شهر و نیمه سوز شدن پرچم، اقدام به آتش زدن دوباره آن کرده بود که در اتهامات وارده به وی به صراحت تحریق پرچم جمهوری اسلامی در کنار سایر اتهامات ذکر شده بود که داسرا در قرار نهایی خود به این اتهام هم اشاره نمود اما در کیفرخواست تنها به مواد ۵۰۰، ۶۱۰، ۶۱۸ و تبصره ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) استناد شده بود که پس از دفاعیات وکیل تسخیری، نهایتاً دادگاه انقلاب مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری حکم برائت متهم را به خاطر تحریق پرچم و تخریب اموال صادر نموده است. نکته قابل توجه این است با اینکه صراحتاً در اتهامات وارده حریق پرچم ذکر شده و متهم نیز صراحتاً به این کار اقرار کرده و اتهام وارده کاملاً محرز است، اما دادگاه حکم محکومیت وی را صادر نکرده است. در هر صورت، اینکه مقامات قضایی در مراحل مقدماتی (تعقیب و تحقیق) بدون ذکر مستند قانونی، حریق پرچم را در قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست ذکر می‌نمایند، نشانگر این است که بسیاری از مقامات، مایل به کیفردهی این عمل در قالب عناوین امنیتی دیگر هستند.

بدین ترتیب، عدم وجود ارجاع صریح به مجازات بی‌احترامی به پرچم در قانون اساسی یا سایر قوانین، مانع از امکان مجازات شخصی که به پرچم رسمی ایران بی‌احترامی می‌کند، نیست (Gutiérrez, 1998, 29). فقدان قانون خاص درباره بی‌احترامی به پرچم به معنای تحمل مخالفت نیست؛ بلکه بخشی از سیستمی است که هر نوع انتقاد از دولت را با قوانین گسترده کیفرگذاری می‌کند. در این رویکرد، هتک حرمت نمادین نه به‌عنوان توهین به پرچم، بلکه به‌عنوان حمله به مبانی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی مجازات می‌شود. بنابراین، از نظر سیاست جنایی تقنینی چنین رفتاری دچار خلا قانونی است، اما در زمینه سیاست جنایی قضایی و اجرایی، با عناوین فراگیر دیگر مورد واکنش کیفری قرار می‌گیرد که این تعارض میان سیاست جنایی تقنینی و قضایی قابل قبول نیست.

اعطای اختیار جرم‌انگاری و تعیین رفتارهای مجرمانه به مقامات قضایی موجب می‌شود علاوه بر تضییع حقوق افراد و نقض قاعده قبح عقاب بلابیان، احترام و جایگاهی که برای قوانین در جامعه وجود دارد مخدوش گردد. عدم شفافیت و کلی‌گویی قانونگذار و

سپردن امور تقنینی به مراجع قضایی موجب می شود مراجع قضایی در تعیین مصادیق مجرمانه رویه های مشتت و مختلفی در پیش گیرند که امکان تحدید آزادی ها مشروع افراد و برجسب افراد وجود خواهد داشت و نهایتاً سبب کاهش استحکام ساختار حقوقی خواهد شد (میرخلیلی، نیک منش و دارابی، ۱۴۰۱، ۲۶۶-۲۳۷). فقدان قانون خاص در این زمینه نه به معنی آزادی بیان بلکه پوششی برای یک سیستم فراگیرتر است که خود عمل اعتراض و مخالفت با نمادهای دولت را کیفر می دهد. لذا نظام کیفری ایران عملاً یک سیاست جنایی مبهم، فراگیر و سرکوب گرانه ای در این زمینه اتخاذ نموده است.

به هر حال، طبق اصل قانونی بودن و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، در حال حاضر به خاطر خلا قانونی در این زمینه، این رفتار نباید مجازات شود. البته در لایحه تعزیرات (که هنوز تصویب نشده است) در ماده ۹۱ مقرر شده هر شخصی به طور علنی به سرود ملی یا پرچم جمهوری اسلامی ایران اهانت کند، به یکی از مجازات های اجتماعی درجه شش محکوم می شود.

نتیجه گیری

جرم انگاری هتک حرمت پرچم و سرود ملی تضاد میان قدرت دولت، نمادهای ملی و آزادی بیان فردی را نشان می دهد. بسیاری کشورها حمایت کیفری از وحدت ملی و ارزش های مشترک را ضروری دانسته و این رفتار را جرم انگاری کرده اند، هرچند این قوانین غالباً برای سرکوب گروه های حاشیه ای یا مخالفان به کار می روند و آزادی های فردی را تضعیف می کنند. آزادی بیان شامل انتقاد از نهادهای حاکم، نمادهای ملی و سیاست هاست و محدود کردن آن تحت عنوان حمایت از نماد ملی می تواند آزادی اساسی شهروندان را محدود کند. در ۱۴ کشور از جمله آمریکا، کانادا و انگلستان، توهین به نمادهای ملی جرم نیست. ایران نیز صراحتاً این رفتارها را جرم انگاری نکرده، اما ممکن است تحت عناوین کیفری دیگر مانند فعالیت تبلیغی علیه نظام یا توهین به مقدسات مورد تعقیب کیفری قرار گیرد که نشانگر سیاست جنایی مبهم و سرکوب گرانه و تعارض میان سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی و اجرایی است.

به نظر می رسد وحدت واقعی یک ملت با تحمیل احترام به نمادهای ملی و سیاست های کیفری سرکوب گرانه از سوی دولت به وجود نمی آید. قدرت و انعطاف یک دولت وقتی مشخص می شود که بتواند مخالفت های سیاسی را حتی اگر توهین آمیز باشند، تا حدی که منجر به ضرر و خطر جدی نشود تحمل نماید. همان طور که در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا تأکید شده است، آزادی بیان حتی در شکل بی احترامی به نمادهای ملی، خود نشان دهنده بالاترین ارزش آن نماد است. بدین ترتیب، دولت ها با حرکت به سمت مدل عدالت ترمیمی به جای رویکرد های کیفری تنبیهی، می توانند سیستمی ایجاد کنند که هم به تعارضات اجتماعی و مخالفت ها پاسخ دهد و هم حقوق بنیادین آزادی و کرامت انسانی را حفظ کند. البته در مواردی که هتک حرمت پرچم شامل سایر رفتارهای مجرمانه مانند آتش سوزی، رفتار آشوبگرانه یا تخریب اموال عمومی می شود، باید تحت قوانین کیفری مورد پیگرد قانونی قرار گیرند که این مساله به خاطر آثار و آسیب های واقعی ناشی از رفتار (مثلاً به خطر انداختن نظم عمومی یا خسارت به اموال) است. لذا جرم انگاری بی حرمتی صرف به سرود و پرچم ضرورتی ندارد و چنین توهینی تنها در صورتی باید جرم باشد که همراه با رفتارهای خطرناک و آسیب زا صورت گیرد. جرم انگاری صرف بی احترامی، با حق آزادی بیان و اصل حداقل بودن

حقوق کیفری مغایرت دارد اما اگر منجر به اختلال در نظم عمومی و امنیت ملی یا آسیب و مزاحمت شود، باید جرم تلقی گردد. از این رو، اگر بنا به جرم انگاری این عمل باشد، باید جرمی مقید به نتیجه (اختلال در نظم و امنیت و آسایش) باشد.

در نتیجه، سیاست جنایی متناسب و حقوق بشری در این زمینه باید هم نمادهای ملی را محترم بداند و هم آزادی بیان و گفتار نمادین را تضمین نماید، به طوری که محدودیت‌ها تنها به رفتارهای خشونت‌آمیز یا تهدیدآمیز و خطرناک که واقعاً مخل نظم عمومی هستند اعمال شود، نه به حرکت‌های نمادین سیاسی یا اعتراضات مشروع و مسالمت‌آمیز. این تعادل، نشان‌دهنده انتخاب بین حفاظت از کرامت دولت و حفاظت از کرامت و آزادی‌های فردی است.

با این حال، اگر دولتی به دلیل شرایط داخلی و حساسیت‌های سیاسی یا تاریخی اصرار داشته باشد که توهین به پرچم و سرود ملی را جرم‌انگاری کند، می‌تواند این جرم را در چارچوب جرایم سیاسی دسته‌بندی نموده و مجازات‌های خفیفی برای آن در نظر بگیرد. زیرا اگر این اعمال صرفاً به عنوان جرایم عمومی یا امنیتی تلقی شوند، دولت ممکن است با سیاست کیفری سخت‌گیرانه موجب سرکوب عقاید و محدود کردن آزادی‌های سیاسی و نقض حقوق اشخاص شود. اما وقتی جرم در قالب جرم سیاسی تعریف شود، می‌توان آن را با مقررات منعطف‌تر و شفاف‌تر پیگیری نمود که هم از نمادهای ملی محافظت گردد و هم حقوق فردی و آزادی بیان و موازین دادرسی عادلانه رعایت شود.

منابع

-منابع فارسی

۱. آقابابایی، حسین. (۱۳۸۹). *قلمرو امنیت در حقوق کیفری*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. آقایبی جنت مکان، حسین. (۱۴۰۲). *حقوق کیفری عمومی* (فلسفه حقوق کیفری)، جلد پنجم، چاپ اول، انتشارات جنگل.
۳. میل، جان استوارت. (۱۳۷۵). *رساله درباره آزادی*، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
۴. الهی منش، محمدرضا و مرادی، محسن. (۱۴۰۴). *حق بر مجازات نشدن؛ رویکردی نوین در کاربست پاسخ‌های کیفری*. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۳)، ۵۸-۱۰۴. [doi: 10.22034/jclc.2025.2049454.1138](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2049454.1138)
۵. یوهلاندر، مایکل. (۱۴۰۱). *قانون مجازات آلمان*، ترجمه اصلی عباسی، چاپ دوم، انتشارات مجد.
۶. رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷). *کرامت انسانی در حقوق کیفری*، چاپ اول، نشر میزان.
۷. رهامی، روح اله و محسنی جیهانی، فاطمه. (۱۴۰۳). *تقابل آزادی بیان و توهین‌های مذهبی در نظام اروپایی حقوق بشر*. دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، ۱۹(۱)، ۲۲۹-۲۵۰.

۸. حسینی، سیدحمید، محمودی جانکی، فیروز و پاکزاد، بتول. (۱۴۰۲). حق بر مجازات نشدن؛ چیستی و هستی. مجله حقوقی دادگستری، ۸۷(۱۲۳)، ۹۵-۱۱۷.
۹. جعفری، مجتبی (۱۳۹۲). جامعه شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ اول، نشر میزان.
۱۰. جمشیدی، علیرضا و شیرود بزرگی، مجتبی. (۱۴۰۰). حقوق کیفری تضمین گر در دولت حداقلی؛ چالش ها و راهبردها. پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی، ۹(۱۸)، ۱۱۱-۱۳۸.
۱۱. چگنی، مهدی، معصومی نیا، غلامعلی و سرخوندی، حسین. (۱۳۹۹). حمایت از هویت ملی و نمادهای آن از نظر حقوق کیفری با رویکرد سیاستهای کلی نظام. سیاستهای راهبردی و کلان، ۸(۳۰)، ۳۱۶-۳۳۹.
۱۲. قاسمی، علی اصغر و ابراهیم آبادی، غلامرضا. (۱۳۹۰). نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران. فصلنامه علمی راهبرد، ۲۰(۲).
۱۳. قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۴۰۲). حقوق بشر معاصر، دفتر دوم؛ جستارهایی تحلیلی در حق ها و آزادی ها، چاپ ششم، نشر نگاه معاصر.
۱۴. غزایاق زندی، داود. (۱۳۹۳). نسبت عدالت اجتماعی و امنیت ملی: چارچوب نظری. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶(۶۱)، ۷-۳۲.
۱۵. منصورآبادی، عباس و منصورآبادی، علی. (۱۴۰۴). حاکمیت قانون و اصل قانونی بودن حقوق کیفری. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی، ۲(۳)، ۳۴۸-۳۸۲. [doi: 10.22034/jrpl.2025.2055691.1139](https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2055691.1139)
۱۶. میر خلیلی، سید محمود، نیک منش، علیرضا و دارابی، شهرداد. (۱۴۰۱). عناوین مجرمانه فراگیر و چالشهای حقوقی و جرم‌شناختی آن در سیاست کیفری ایران. مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۳(۲۶)، ۲۳۷-۲۶۸. [doi: 10.22034/law.2021.44700.2843](https://doi.org/10.22034/law.2021.44700.2843)
۱۷. یاور، اسداله و تقوی نیا، شقایق. (۱۳۹۱). نسبت آزادی های فردی و امنیت ملی با تاکید بر آزادی بیان در مطبوعات. حقوق اساسی، ۹(۱۷)، ۱۲۷-۱۶۱.
۱۸. عصر ایران. (۲۰۲۲، ۲۰ آبان). سخنگوی قوه قضائیه درباره مجازات توهین به پرچم جمهوری اسلامی: نص صریحی در قوانین نداریم. عصر ایران. قابل دسترسی از: <https://www.asriran.com/fa/news/866892>

-منابع لاتین

19. Bleise, B. J. (1992). *Freedom of speech and flag desecration: Comparative perspectives on the United States and Germany*. Denver Journal of International Law & Policy, 21(2), 173-205.
20. Duggal, K., & Sridhar, S. (2006). *Reconciling freedom of expression and flag desecration: A comparative study*. Hanse L. Rev., 2, 141.
21. Gutiérrez, N. C. (1998). *Flag desecration under the laws of selected foreign nations*. Law Library of Congress The Law Library of Congress, Global Legal Research Directorate. <https://tile.loc.gov/storage-services/service/ll/lglrd/2019671031/2019671031.pdf>
22. Krüdewagen, U. (2002). *Political symbols in two constitutional orders: The flag desecration decisions of the United States Supreme Court and the German Federal Constitutional Court*. Arizona Journal of International and Comparative Law, 19(2), 679-712.
23. Phillips, M. C. (1990). *Protecting national flags: Must the United States protect corresponding foreign dignity interests?* California Western International Law Journal, 20(2).
24. Hogg, P. W. (2020). *Constitutional law of Canada (6th ed.)*. Carswell.
25. Fenwick, H., & Phillipson, G. (2016). *Media freedom under the Human Rights Act*. Oxford University Press.
26. McBride, J. (1991). *Flag desecration, the Constitution and the establishment of religion*. St. John's Law Review, 65(1), 1-20.
27. Perelman, N. (2019). *Freedom of expression and the desecration of flags and religious books in Israeli law*. Stato, Chiese E Pluralismo Confessionale. <https://doi.org/10.13130/1971-8543/12848>.
28. Tóth, Z. J. (2022). *The Protection of State and National Symbols Across Europe: An Overview of Constitutional Law and Criminal Law Regulations*. In Z. J. Tóth (Ed.), *Constitutional and Legal Protection*

of State and National Symbols in Central Europe (pp. 13–53). Miskolc & Budapest: Central European Academic Publishing.

References

1. Aghababai, H. (2010). The scope of security in criminal law. Tehran: Organization for Research and Islamic Culture and Thought Publishing. (in Persian)
2. Aghaei Janat Makan, H. (2023). General criminal law (The philosophy of criminal law) (Vol. 5, 1st ed.). Tehran: Jangal Publications. (in Persian)
3. Asr Iran. (2022, November 11). Judiciary spokesperson on punishment for insulting the flag of the Islamic Republic: There is no explicit provision in the law. Asr Iran. <https://www.asriran.com/fa/news/866892>. (in Persian)
4. Bleise, B. J. (1992). *Freedom of speech and flag desecration: Comparative perspectives on the United States and Germany*. *Denver Journal of International Law & Policy*, 21(2), 173–205.
5. Bohlander, M. (2022). The German Criminal Code (A. Asli Abbasi, Trans., 2nd ed.). Tehran: Majd Publications. (in Persian)
6. Chegeni, M., Masuminia, G. A. and sorkhvandi, H. (2020). A comparative study of the protection of national identity and its symbols in criminal law. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 8(30), 316-339. doi: 10.30507/jmsp.2020.113985. (in Persian)
7. Duggal, K., & Sridhar, S. (2006). *Reconciling freedom of expression and flag desecration: A comparative study*. *Hanse L. Rev.*, 2, 141.
8. Elahimanes, M. R. and Moradi, M. (2025). THE RIGHT NOT TO BE PUNISHED: A New Approach to the Application of Criminal Sanctions. *Research and development in criminal law and criminology*, 2(3), 58-104. doi: 10.22034/jclc.2025.2049454.1138. (in Persian)
9. Fenwick, H., & Phillipson, G. (2016). *Media freedom under the Human Rights Act*. Oxford University Press.
10. Gharayagh Zandi, D. (2014). Social Justice and National Security: Theoretical Framework. *Strategic Studies Quarterly*, 16(61), 7-32. (in Persian)
11. Ghari Seyyed Fatemi, S. M. (2023). *Contemporary human rights, Vol. 2: Analytical essays on rights and freedoms* (6th ed.). Tehran: Negah-e Moaser Publishing. (in Persian)
12. Ghasemi, A.-A., & Ebrahimabadi, Gh. (2011). The relationship between national identity and national unity in Iran. *Rahbord Scientific Quarterly*, 20(2). (in Persian)
13. Gutiérrez, N. C. (1998). *Flag desecration under the laws of selected foreign nations*. Law Library of Congress The Law Library of Congress, Global Legal Research Directorate. <https://tile.loc.gov/storage-services/service/ll/lglrd/2019671031/2019671031.pdf>
14. Hogg, P. W. (2020). *Constitutional law of Canada* (6th ed.). Carswell.
15. Hoseini, S., Mahmoudi, F. and Pakzad, B. (2023). The right not to be punished; its Nature and Existence. *The Judiciarys Law Journal*, 87(123), 95-117. doi: 10.22106/jlj.2022.553189.4826. (in Persian)
16. Jafari, M. (2013). *Sociology of criminal law: A critical approach to criminal law* (1st ed.). Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
17. Jamshidi, A. and Shirodbozorgi, M. (2022). Warranty Criminal's Law in Minimal State Challenges and Strategies. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 9(18), 111-138. doi: 10.22034/jclc.2021.133147. (in Persian)
18. Krüdwagen, U. (2002). *Political symbols in two constitutional orders: The flag desecration decisions of the United States Supreme Court and the German Federal Constitutional Court*. *Arizona Journal of International and Comparative Law*, 19(2), 679–712.

19. Mansourabadi,A. and Mansourabadi,A. (2025). The Rule of Law and the principle of legality of Criminal Law. *Research and Development in Public Law*, 2(3), 348-382. doi: 10.22034/jrpl.2025.2055691.1139. (in Persian)
20. McBride, J. (1991). *Flag desecration, the Constitution and the establishment of religion*. *St. John's Law Review*, 65(1), 1–20.
21. Mill, J. S. (1996). *On liberty* (J. Sheikh al-Eslami, Trans.). Tehran: Elm va Farhang Publishing. (Original work published 1859).
22. Mirkhalili, S. M , Nikmanesh, A. and Darabi, S. (2022). Inclusive Criminal Titles and Their Legal and Criminological Challenges in Iranian Criminal Policy. *Jurisprudence and Islamic Law*, 13(26), 237-268. doi: 10.22034/law.2021.44700.2843. (in Persian)
23. Perelman, N. (2019). *Freedom of expression and the desecration of flags and religious books in Israeli law*. *Stato, Chiese E Pluralismo Confessionale*. https://doi.org/10.13130/1971-8543/12848.
24. Phillips, M. C. (1990). *Protecting national flags: Must the United States protect corresponding foreign dignity interests?* *California Western International Law Journal*, 20(2).
25. Rahami,R. and Mohseni Jayhani,F. (2024). Freedom of Expression and Religious insults: European Human Rights System: European Human Rights System. *The Journal of Human Rights*, 19(1), 229-250. doi: 10.22096/hr.2023.1972627.1531. (in Persian)
26. Rahiminezhad, E. (2008). *Human dignity in criminal law* (1st ed.). Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
27. Tóth, Z. J. (2022). *The Protection of State and National Symbols Across Europe: An Overview of Constitutional Law and Criminal Law Regulations*. In Z. J. Tóth (Ed.), *Constitutional and Legal Protection of State and National Symbols in Central Europe* (pp. 13–53). Miskolc & Budapest: Central European Academic Publishing.
28. Yavari,A. and Taghavinia,S. (2012). The ratio of individual liberties and national security with emphasis on freedom of expression in the press. *Basic Rights*, 9(17), 127-161. (in Persian)

Foundations of Criminalization of National Flag and Anthem Desecration and Its Conflict with the Right to Freedom of Expression (A Comparative Study of Criminal Policy in Eight Countries)

Abstract

The national flag and anthem, as official symbols of national identity, are protected under criminal law in many countries, and the criminalization of their desecration is often justified as a means to preserve national identity and safeguard state security. These measures aim to prevent actions that may undermine the authority, legitimacy, or dignity of the state. However, criminalizing desecration can conflict with the fundamental right to freedom of expression, which is guaranteed under international human rights instruments. Human rights analyses suggest that national unity cannot be effectively maintained through coercive legal interventions alone, and mandatory respect for national symbols risks restricting individual freedoms. Excessively strict criminal policies may lead to human rights violations, limiting citizens' capacity to engage in political discourse, symbolic protest, or social criticism. Comparative studies show that countries such as the United States, Canada, and the United Kingdom generally do not criminalize insults to national symbols, protecting such acts under freedom of expression unless they involve direct threats, violence, or public disorder. Conversely, in countries including Germany, France, China, and Iran, desecration of national symbols is criminalized; in Iran, similar acts may be prosecuted under broad provisions concerning crimes against national security, reflecting an ambiguous and expansive criminal policy. Based on a descriptive-analytical approach, this article examines the foundations of criminalizing insults to the flag and anthem, its conflict with freedom of expression, and the approaches adopted in eight selected countries. The study concludes that criminalizing desecration per se conflicts with freedom of expression and the principle of minimal criminal law.

Such criminalization is only justified when actions genuinely threaten public order or national security. Therefore, a proportionate, human-rights-based criminal policy should respect national symbols while ensuring that fundamental human rights and freedom of expression are fully protected, maintaining a balance between symbolic national protection and individual liberties.

Keywords: Insult, National Anthem, Flag, Crime, Freedom of Expression.

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited